

خون
نقیس
مسیح

ویتس لی

LIVING STREAM MINISTRY
Anaheim, California • www.lsm.org

© 2017 Living Stream Ministry

با حفظ تمام حقوق، این مجموعه کار می‌تواند بطور رایگان چاپ و پخش شود ولی باید تمامی آن، من جمله این صفحه حق چاپ، بطور کامل چاپ شوند و نباید به هیچ وجهی تغییر داده شوند. Living Stream Ministry باید در هر تجدید چاپ بعنوان تنها دارنده حق چاپ ذکر گردد.

چاپ اول، ژانویه ۲۰۱۷

ترجمه از زبان انگلیسی

عنوان اصلی: *The Precious Blood of Christ*

© 1979 Living Stream Ministry

(Farsi translation)

ISBN 978-0-7363-4221-6

پخش در آلمان:

Lebensstrom e.V.

Graefestr. 71

10967 Berlin

Internet: www.lebensstrom.de

انتشار توسط:

Living Stream Ministry

2431 W. La Palma Ave., Anaheim, CA 92801 U.S.A.

P. O. Box 2121, Anaheim, CA 92814 U.S.A.

چاپ در انگلستان

17 18 19 20 / 7 6 5 4 3 2 1

خونِ نفیسِ مسیح

برای حفظ زندگی جسمانی، شما به بعضی اقلام اصلی مانند آب، اکسیژن، غذا، لباس و مسکن احتیاج دارید. بعلاوه، بدن شما به مقدار معینی پروتئین، ویتامین‌ها و مواد معدنی نیاز دارد. بدون همهٔ اینها، زندگی جسمانی شما خواهد مُرد، یا حداقل در رنج بسیار خواهد بود.

زندگی روحانی شما هم همین طور است. زندگی روحانی شما، درست مانند زندگی جسمانی شما محتاج به اقلام اصلی معینی است که همگی آنها ضروری هستند. بدون آنها ادامهٔ زندگی بعنوان یک مسیحی در دنیایی که مسیح را نمی‌شناسد مشکل خواهد بود. یکی از این اقلام اصلی خون مسیح است.

چرا ما به خون مسیح نیازمندیم؟ چون ذاتاً انسانِ سقوط کرده سه مشکل اصلی دارد. حتی شما هم به عنوان یک مسیحی هنوز حیاتِ انسانِ سقوط کرده را حمل می‌کنید. پس روز به روز، ممکن است که باز به این سه مشکل دچار شوید.

این سه مشکل از سه جانب است: خدا، خود شما، و شیطان. از جانب خدا، گاهی احساس جدایی دارید. در

درون خودتان، گاهی احساس گناه می‌کنید. از جانب شیطان، گاهی احساس تهمت دارید. این سه - جدایی از خدا، احساس گناه، و تهمت شیطان - می‌توانند سه مشکل بزرگ در زندگی مسیحی شما باشند. چطور می‌توان بر اینها غلبه یافت؟ فقط با خونِ مسیح.

جدایی از خدا

وقتی آدم در باغِ عَدَن گناه کرد، فوراً خود را از خدا مخفی ساخت. آدم قبل از ارتکاب گناه، از خدا مسرت می‌برد و تمام اوقات در حضور او بود. ولی بعد از ارتکاب گناه، خود را پنهان کرد. گناه همیشه منجر به جدایی از خدا می‌گردد.

حتی امروز بعنوان یک مسیحی، ممکن است شما این را تجربه کنید. بعد از ارتکاب گناهی کوچک، احساس فاصله‌ای عمیق مابین خود و خدا دارید. چون خدا عادل است، نمی‌تواند گناهان را تحمل کند. این همان است که اشعیا نبی گفت: «نه دستهای یهوه آنقدر کوتاه است که نتواند نجات دهد؛ / و نه گوش‌هایش آنقدر سنگین است که نتواند بشنود. / ولی شرارت شما موجب جدایی / مابین شما و خدای شما گشته / و گناهان شما صورت او را از شما پنهان ساخته، / آنچنان که او نمی‌شنود» (اشعیا ۵۹: ۱-۲).

بعد از آن که آدم گناه کرد، خدا نگفت: «آدم، چکار

کردی؟» بلکه گفت: «آدم، کجا هستی؟» به عبارتی دیگر، خدا آنقدر به گناھانی که ممکن است شما مرتکب شوید توجه ندارد که به این حقیقت توجه دارد که گناھانتان شما را از او جدا می‌سازد. خدا عاشق شماست، ولی از گناھان شما متنفر است. تا وقتی گناھان در شما باقی است، خدا باید دور بماند و در این شرایط شما احساس دوری از خدا را دارید. برای آمدن خدا، گناه باید برود.

در تمامی جهان فقط یک چیز است که قادر است گناھان را دور کند، خون نفیس مسیح. هیچ مقداری از دعا، هیچ مقداری از گریه و زاری، هیچ تشریفاتی، هیچ توبه و طلب بخششی، هیچ قولی به رفتار بهتر، هیچ احساس گناھی، هیچ طول صبری، هیچ چیز جز خون مسیح نمی‌تواند گناھان را از بین ببرد. عبرانیان ۹: ۲۲ می‌گویند: «بدون ریختن خون، آمرزش نیست.»

این موضوع در کتاب خروج شرح داده شده است. بعضی از فرزندان اسرائیل احتمالاً به اندازهٔ مصریان گناھکار بودند. ولی وقتی خدا فرشتهٔ خود را برای کشتن فرزندان ارشد متولد در سرزمین مصر فرستاد او نگفت: «وقتی رفتار خوب شما را ببینم، از شما خواهم گذشت.» خدا توقع نداشت که فرزندان اسرائیل دعا کنند، توبه و گریه و زاری کنند و یا قول رفتار خوب دهند. خیر، خدا به آنان امر کرد تا برهٔ فصیح را بکشند و خون آن را به چارچوب درھایشان بپاشند. او گفت: «وقتی خون را ببینم، از شما

خواهم گذشت» (خروج ۱۲: ۱۳). خدا هرگز در پی آن نبود که ببیند چه جور مردمی در خانه هستند؛ وقتی خون را دید، بسادگی از آنجا گذشت.

برّهٔ فِصْح تصویری از مسیح است. وقتی یحیای تعمید دهنده اولین بار خداوند عیسی را دید، اعلان کرد: «اینک برّهٔ خدا که گناه جهان را بر می دارد» (یوحنا ۱: ۲۹). عیسی برّهٔ خداست. با خون نفیس او همهٔ گناهانتان از شما برداشته شده است.

وقتی شما گناه کرده و احساس دوری از خدا می‌کنید، چه کاری باید انجام دهید؟ بسادگی باید به درگاه خدا اعتراف به آن گناه کنید و ایمان داشته باشید که خون عیسی گناهان شما را از شما دور کرده است. اول یوحنا ۱: ۹ می‌گوید: «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» وقتی شما به گناهانتان اعتراف کنید، فوراً تمام فاصلهٔ بین شما و خدا از بین می‌رود.

در این مرحله، نگران هیچ احساس یا عدم احساسی نباشید. خون مسیح در اصل برای رضایت خداست، نه شما. به خاطر آورید که خدا گفت: «وقتی من (نه شما) خون را ببینم...» در آن شب فِصْح، فرزندان اسرائیل درون خانه بودند، درحالی‌که خون برّهٔ بیرون از خانه بود. درون خانه آنها نمی‌توانستند خون را ببینند؛ ولی با اینحال، از دانستن این که خدا با آن خون راضی می‌شود در آرامش بودند.

سالی یکبار، در روز کفّاره، کاهن اعظم تنها داخل قدس‌الاقداّس می‌شد تا برای کفّاره، خون را بر پوشش تابوت شهادت بپاشد (لاویان ۱۶: ۱۱-۱۷). هیچ کس اجازه نداشت نگاه کند. این سایه‌ای از مسیح است که بعد از رستاخیزش وارد مسکن آسمانی شد و خون خود را بعنوان کفّاره گناهان شما به درگاه خدا پاشید (عبرانیان ۹: ۱۲). امروز، هیچکس نمی‌تواند به آسمانها نگرسته و آن خون را ببیند. ولی آن خون آنجا هست. آن خون در آنجا برای شما صحبت می‌کند (عبرانیان ۱۲: ۲۴) و از بابت شما خدا را راضی می‌سازد. اگر چه شما نمی‌توانید آن خون را ببینید، اما می‌توانید به مؤثر بودنش ایمان داشته باشید. این خون مسائل شما با خدا را حل می‌کند.

اگر خدا خون مسیح را برای برداشتن گناهان شما کافی و محترم می‌شمارد، آیا شما نیز می‌توانید چنین کنید؟ یا شما در جوار آن خواستار احساس مطبوع هستید؟ آیا درخواست شما می‌تواند بالاتر از درخواست خدا باشد؟ خیر، شما باید بسادگی اعتراف کنید، «خدا یا، شکر می‌کنم که خون مسیح تمام گناهان مرا دور ساخته است. اگر تو از این خون خوشحالی، من نیز خوشحالم.»

احساس گناه در وجدان شما

دومین مشکل وخیم انسان با خودش است. درون او، در وجدانش، بار سنگینی از احساس گناه وجود دارد.

چقدر از جوانان امروز بار سنگین احساس گناه را تحمل می‌کنند. احساس گناه مشکل بزرگی برای انسان است. گناهان از یک سو خدا را می‌رنجاند و از سوی دیگر ما را آلوده می‌سازد. احساس گناه چیست؟ احساس گناه لکه‌گناه بر وجدان شماست. وقتی جوان هستید وجدان شما فقط کمی لکه‌دار است. ولی همچنان که پیرتر می‌شوید، این لکه‌ها جمع می‌شوند. مانند پنجره‌ای که هرگز شسته نشده، وجدان تاریک و تاریکتر می‌شود تا جایی که روشنایی کمی می‌تواند بتابد.

هیچ پاک کننده‌ای یا مواد شیمیایی یا اسیدی، نمی‌تواند احساس گناه را از وجدان شما بشوید. حتی بمب اتمی هم نمی‌تواند این لکه را از وجدان شما بردارد؛ خیر، وجدان شما خواستار چیزی قوی‌تر از آن است. وجدان شما احتیاج به خون نفیس مسیح دارد.

عبرانیان ۹: ۱۴ می‌گویند: «چقدر بیشتر خون مسیح... وجدان ما را از اعمال مُرده پاک خواهد ساخت، تا خدای زنده را خدمت کنیم؟» خون مسیح قدرتی کافی برای زدودن و پاک کردن وجدان شما از هر لکه‌ احساس گناه دارد.

چگونه خون مسیح احساس گناه را از وجدان شما می‌زداید؟ تصور کنید که یک قبض جریمه رانندگی برای توقف در پیاده رو دریافت کرده‌اید. شما سه مشکل دارید: اولاً، قانون را شکسته‌اید، دوماً، به دولت جریمه‌ای مدیون

هستید و سوماً، یک کپی از قبض جریمه دارید که یادآور جریمه شماست. حالا تصور کنید بی پول هستید و توان پرداخت جریمه را ندارید. شما نمی‌توانید فقط قبض را دور بیندازید، چون پلیس کپی از آن را دارد و اگر آن را نپردازید، آنها شما را تعقیب قانونی خواهند کرد. اینجا شما یک مشکل واقعی دارید.

این تصویری است از آنچه بعد از ارتکاب گناه بر شما می‌گذرد. اولاً، شما قانون خدا را شکسته‌اید؛ یعنی کاری کرده‌اید که موجب رنجش خدا شده. دوماً، به قانون خدا چیزی مدیون هستید. رومیان ۶: ۲۳ می‌گویند که جریمه گناه مرگ است. این جریمه سختی است و برای شما ممکن نیست که آن را بپردازید و سوماً، شما در وجدانتان احساس گناه می‌کنید که آن مانند همان قبض جریمه در جیب‌تان، جهت یادآوری دائمی از تقصیر شما می‌باشد.

حال خبر خوش این است. وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب مُرد، مرگ او تقاضای قانون خدا را برای شما کاملاً برآورده ساخت. به عبارتی دیگر، بدهی گناه شما پرداخته شد. ستایش خداوند را! عیسی مسیح با مرگ خود بر روی صلیب همه آن را پرداخت کرد!

پس حالا، دو مشکل اول حل شده: خدا دیگر رنجیده نیست و بدهی گناه تماماً پرداخته شده. ولی وجدان شما چگونه؟ لکه احساس گناه، مانند قبض جریمه رانندگی یادآور گزارشی از گناه شماست.

اینجاست که خون مسیح وجدان شما را پاک می‌سازد. چون مرگ مسیح بدهی گناه شما را پرداخته، خون او حالا می‌تواند پرونده بدهی شما را پاک کند. درست همانطوری که چون جریمه پرداخت شد می‌توان قبض جریمه را پاره کرد و دور انداخت، به همان طریق هر احساس گناه بر وجدانتان پاک می‌شود.

تجربه این موضوع بسیار آسان است. هرگاه گناه کردید و درونتان احساس سرزنش گناه دارید، به سادگی می‌توانید قلب خود را رو به خدا باز کرده و چیزی مثل این دعا کنید: «خدایا، برای آنچه امروز کرده‌ام مرا ببخش. شکر می‌کنم خداوندا، برای گناهایی که مرتکب شده‌ام، بر روی صلیب برایم جان دادی. خداوندا، من ایمان دارم که این گناه توسط تو بخشیده شده. هم اکنون من دعوی خون پر ارزش تو را می‌کنم، تا وجدان مرا از هر لکه احساس گناه پاک سازد.» اول یوحنا ۱: ۹ را بیاد آورید، «اگر گناهانمان را اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را آمرزیده و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» و آنچنان که مزامیر ۱۰۳: ۱۲ می‌گوید: «چندان که مشرق از مغرب دور است، / همانقدر او خطاهای ما را از ما دور ساخته است.» چه کسی می‌تواند بگوید که شرق از غرب چقدر دور است؟ همانگونه، وقتی ما به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، خدا آنها را تا بی‌نهایت از ما دور

می‌سازد. آنها دیگر به شما مرتبط نیستند و برای همین، وجدان شما می‌تواند راحت باشد.

وقتی خدا می‌بخشد، فراموش می‌کند. فکر نکنید بعد از آنکه خدا گناهان شما را بخشیده، ممکن است روزی برگشته و آنها را دوباره به شما یاد آوری کند. خیر، به بخشش گناهان که می‌رسد، خدا حافظه‌ای کوتاه دارد. گاهی ممکن است که شما حافظهٔ بهتری از خدا داشته باشید. آیا خدا می‌تواند واقعاً فراموش کند؟ این همان است که ارمیا در ۳۱:۳۴ می‌گوید: «...عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» اگر خدا گناهان شما را فراموش می‌کند، شما نیز می‌توانید آنها را فراموش کنید. آنچه را خدا فراموش کرده است به یاد او نیاورید.

مسیح بیش از دو هزار سال پیش مُرد. اکنون خون ریخته شدهٔ او بیست و چهار ساعت هر روز برای پاک سازی وجدانتان در دسترس شماست. هر وقت گناه می‌کنید، لزومی به انتظار نیست. صبر قدرت خون را بهبود نمی‌بخشد. خون تمامی قدرت کامل را دارد. هر کجا هستید، هر وقت از روز، اگر سرزنش گناه را در وجدانتان حس می‌کنید، فقط ادعای آن خون نفیس را کنید. «خوشا بحال کسی که عصیان او آمرزیده شد؛... / خوشا به حال کسی که به او / یهوه جُرمی نسبت نمی‌دهد» (مزامیر ۳۲: ۱-۲). از طریق خون نفیس مسیح مشکل سرزنش گناه حل گشته.

اتهامات شیطان

ولیکن، گاهی پس از اعتراف و بکار بستن خون، ممکن است شما ادامه‌ای از احساس بد را در وجود خود حس کنید. آیا این نشان آن است که گناه شما بخشوده نشده؟ یا خون مسیح کارگر نیست؟ یا به چیزی بیشتر نیاز است؟ باید جواب دهید: «مطلقاً خیر!»

پس این احساسات بد، بعد از اعتراف و بکار بردن آن خون، از کجا می‌آید؟ منشأ آنها دشمن خدا شیطان است. برای درک این مطلب باید ببینیم شیطان کیست و کار او چیست.

شیطان «ابلیس» است، که در زبان اصلی کتاب مقدس، معنی «تهمت زننده» را دارد. مکاشفه ۱۲: ۱۰ او را به عنوان «تهمت زننده به برادران ما... کسی که روز و شب در مقابل خدا به آنها اتهام وارد می‌سازد» اشاره می‌کند. شیطان، دشمن خدا، بیشتر وقت خود را هر روز و شب صرف تهمت زدن به مردم خدا می‌کند. این شغل اوست. البته خدا از او نخواستہ تا چنین کند. بلکه، او خود این را برای خود برگزیده تا پی در پی به مردم خدا تهمت زند.

در داستان ایوب این موضوع آشکار است. ایوب مردی عادل بود و از خدا می‌ترسید (ایوب ۱: ۱). ولی گزارش شده که شیطان در مقابل خدا ظاهر شد و به ایوب در حضور او

تهمت زد. او گفت: «آیا ایوب مجاناً از خدا می‌ترسد؟ ... تو کار دست او را برکت داده‌ای و دارایی‌های او بر روی زمین گسترده شده. اکنون، دستت را دراز کرده و هر چه دارد لمس کن و او حتماً تو را پیش رویت ناسزا خواهد گفت» (ایوب ۱: ۹-۱۱). به عبارتی دیگر، شیطان به ایوب تهمت زد که او فقط از خدا، چون خدا به او برکت داده می‌ترسد. شیطان ادعا کرد که خدا به ایوب رشوه داده و اگر که تمامی ثروتش را از او دور سازد، ایوب به خدا ناسزا خواهد گفت. این توصیف تهمت زدن شیطان در قلمرو روحانی است.

در کتاب زکریا، کاهن اعظم یوشع، در مقابل خدا ایستاد و شیطان در دست راست او «تا دشمن او باشد» (۳: ۱). یوشع «ملبّس به جامه‌ای پلید» بود (آ. ۳). این از وضعیتِ ضعیف و گناهکار او سخن می‌گوید. چقدر اغلب ضعف شما به شیطان فرصت می‌دهد تا شما را متهم کند. این دلالت بر آن دارد که شیطان نه تنها دشمن خداست، بلکه دشمن شما نیز هست. هر وقت شما نزد خدا می‌آیید، شیطان با تهمت زدن با شما مقابله می‌کند.

هیچ چیز بیشتر از اتهامات، روحانیتِ یک مسیحی را فلج نمی‌کند. هرگاه شما به اتهامات شیطان گوش کنید، بی‌نیرو می‌شوید و مثل آن است که همه قوّت شما از روحتان بیرون کشیده شده. یک مسیحی تحت اتهامات، مشارکت با دیگران را مشکل می‌یابد و حتی دعا کردن

برایش سخت‌تر است. او چنین حس می‌کند که نمی‌تواند به خدا نزدیک گردد.

این زیرکی دشمن است. او هرگز با جامهٔ قرمز و چنگال در دست ظاهر نمی‌شود و فریاد نمی‌زند، «من شیطان هستم! حالا شما را محکوم خواهم کرد!» او از این زرنگتر است، او شما را از درون متهم می‌سازد و حتی به شما حيله می‌زند تا فکر کنید تهمت‌های او صحبت خداست.

چطور می‌توانید بین روشنگری حقیقی خدا در وجدانتان و سرزنش شیطان تمایز قائل شوید؟ گاهی انجام این کار مشکل است، ولی سه راه وجود دارد:

اول، نور خدا شما را تأمین می‌کند، در حالیکه تهمت شیطان شما را خالی می‌سازد. وقتی خدا راجع به گناهان شما صحبت می‌کند، ممکن است شما بسیار احساس رسوایی و جراحت کنید، ولیکن، هنوز با تأمین و تشویق بسوی خدا جذب می‌شوید و خون نفیس مسیح را بکار می‌برید. تهمت‌های شیطان، از سویی دیگر تماماً منفی می‌باشد. هر چه بیشتر به او گوش کنید، دعا کردن سخت‌تر می‌شود و شما احساس تهی بودن و دلسردی می‌کنید.

دوم، صحبت خدا همیشه مشخص است، در جایی که تهمت‌های شیطان بیشتر وقت‌ها (نه همیشه) کلی است. گاهی شما ممکن است اغفال شده فکر کنید که فقط خسته هستید یا روز سختی داشته‌اید. زمانی دیگر، ممکن

است شما فقط گمانی کلی داشته باشید که با خدا درست نیستید. ولی وقتی وجدانتان را جستجو می‌کنید، هیچ گناه بخصوصی که سبب جدایی شما از خدا باشد را نمی‌یابید. یا ممکن است با احساس افسردگی عمومی از خواب بیدار شوید، یا یک احساس ناراحتی بسوی خدا داشته باشید. همه این احساسات عمومی و اتهاماتی که هیچ منشأ گناه واضحی ندارند از شیطان بوده و باید از طرف ما رد شود. وقتی خدا صحبت می‌کند، او مشخص و مثبت است. ولی وقتی شیطان صحبت می‌کند، اغلب کلی و منفی است.

سوم، هر احساس ناراحتی بعد از آن که شما اعتراف کرده و خون را دعوی کرده‌اید باقی بماند، از شیطان است. هرگز احتیاج نیست که دوباره اعتراف کرده و خون را بکار برید. خواسته خدا فوراً با خون برآورده می‌شود. ولی شیطان هرگز راضی نمی‌شود. او دوست دارد ببیند شما دوباره و دوباره اعتراف می‌کنید. امثال سلیمان ۲۷: ۱۵ می‌گوید: «ادامه بارش قطره در هر روز بارانی / و زن ستیزه جو شبیه‌اند.» تهمت‌های شیطان مانند آن است، چون شیر آبی که چکه می‌کند یا زن غرغرو، آنها نمی‌گذارند شما به خواب روید. ولی صحبت خدا متفاوت است. وقتی شما اعتراف می‌کنید و پاک سازی خون را بر خود دعوی می‌کنید، خدا فوراً راضی می‌شود. هر صدای دیگری شیطان است.

اگر اعتراف کردید و دعوی خون نفیس را نمودید، ولی

هنوز احساس قدری ناراحتی در درون شما ادامه داشته و مزاحم شماست، باید فوراً از دعا کردن بازایستید. دوباره اعتراف نکنید. بلکه به جانب منشأ سرزنش برگشته و چیزی مثل این بگویید: «ای شیطان، من گناهم را به خدا اعتراف کرده‌ام. او گناه مرا بخشیده و خون عیسی مسیح مرا از آن پاک ساخته. این ناراحتی که من الان حس می‌کنم از خدا نیست؛ آن از توست و من آن را رد می‌کنم! شیطان، حالا تو باید به خون مسیح نگاه کنی. آن خون هر یک از تهمت‌های تو را پاسخ می‌گوید.» سعی کنید این گونه با شیطان سخن گویند. وقتی آن خون را این گونه استفاده کنید، شیطان شکست خورده و خود بدان واقف است. مکاشفه ۱۲: ۱۰-۱۱ می‌گوید: «آن مدعی برادران ما به زیر افکنده شده... و ایشان به واسطه خون آن برّه و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند.» کلام شهادت شما فقط اعلام آن است که خون عیسی مسیح شما را از همه گناهانتان پاک ساخته و این که این خون، شیطان را شکست داده. وقتی شما جسورانه از این راه صحبت کنید، بر تهمت‌های شیطان پیروز می‌شوید.

زندگی مسیحی مانند جنگیدن است. شیطان، «دشمن شما... چون شیر غران پرسه می‌زند و کسی را می‌طلبد تا ببلعد» (اول پطرس ۵: ۸). برای این جنگ شما احتیاج به اسلحه مناسب دارید و اسلحه مهمی که باید از آن استفاده کنید خون مسیح است.

زندگی روزانه پُر از حضور خدا

مسیحیان به وسیله قدرت خون نفیس مسیح می‌توانند هر لحظه در حضور خدا زندگی کنند. هر وقت گناه کوچکی پیش می‌آید که مشارکت شما را با خدا مختل می‌کند، فوراً اعتراف کرده و خون پیروز خداوند را دعوی کنید. سپس فوراً مشارکت شما باز سازی می‌گردد. چرا باید وقت را تلف کنید؟ خون مسیح لحظه به لحظه، روز به روز، در دسترس است. شما هرگز نمی‌توانید قدرت پاک سازی خون مسیح را کم کنید. خون او قادر است نه تنها هر گناه گذشته را، بلکه هر گناهی که مرتکب شوید را پاک سازد.

با قدرت خون نفیس مسیح، این ممکن می‌شود که شما از وجدانی پاک و دور از لکه گناه لذت ببرید. به این منظور می‌توانید جسورانه نزد خدا آیید. «پس به دل راست، در یقین ایمان، دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده [پاک کرده]... نزدیک بیاییم» (عبرانیان ۱۰: ۲۲). با خون مسیح، وجدان شما می‌تواند از گناه آزاد شود و مانند پنجره‌ای تازه شسته شده می‌تواند روشن، براق و پر نور باشد.

بالاخره، با قدرت خون نفیس مسیح، شما می‌توانید بر هر تهمتِ شیطان پیروز شوید. اگرچه اتهامات او ممکن است قوی باشد، ولی خون مسیح قوی‌تر است، و به هر

یک از آنها پاسخ می‌گوید. این خون اسلحه شماست. با استفاده از این سلاح، شما هرگز از شیطان شکست نخواهید خورد؛ بلکه، او از شما شکست خواهد خورد. چقدر عزیز و نفیس است خون مسیح! با این خون شما می‌توانید روز به روز در حضور خدا زندگی کنید.

«اگر در نور سلوک نماییم، چنان که او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خونِ پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد.»
(اول یوحنا ۱: ۷)